



---

متن سخنرانی

## «مادر حماسه ها»

« چرا پرداختن به وجه حماسی دین ضرورت دارد؟ »

کانال منبر مکتوب

---

<https://eitaa.com/menbarahemaktob>

وفات حضرت ام البنین (س)

پیام:

«مادری است؛ صورت قبر چهار جوانش را که در کربلا شهید شدند، در بقیع میکشد و نوحه‌سرائی میکند و حماسه می‌آفریند. همه‌اش اشکس ریختن و تو سر زدن هم نیست - البته اشک ریختن هست، اشکالی هم ندارد - بلکه حماسه‌آفرینی است، افتخار به این جوانهاست.» (مقام معظم رهبری؛ ۲۵/۰۳/۹۰)

نیاز انسان به حماسه

ما معمولاً لذت‌های خودمان را محدود به چند لذت خاص کرده ایم که می‌توان بیشتر از این‌ها لذت برد. برخی از لذت‌ها هست که آدم تا آخر عمر هم آنها را به خوبی تجربه نمی‌کند یا اصلاً تجربه نمی‌کند. یکی از لذت‌های ما انسان، لذت بردن از حماسه هست. کسانی که تجربه جهاد و مبارزه ندارند، از یک لذت برزرگ محرومند. این‌ها در زندگی ما وجود دارد که لذت‌های خودمان را محدود کردیم به چند لذت. در حالی که لذتی که می‌شود به سادگی برد لذت حماسه هست. مثلاً لذت تیراندازی، چقدر این تقویت روحیه حماسی مهم است که حتی اجازه دادند اینجا شرط بندی شود. فرمود: «عَلِّمُوا بَنِيكُمْ الرِّمِيَّ؛ فَإِنَّهُ نِكَايَةُ الْعَدُوِّ؛ به پسرانتان، تیراندازی یاد دهید؛ چراکه مایه پیروزی بر دشمن است» (کنز العمال: ج ۱۶ ص ۴۴۳)

آیت الله حائری شیرازی رحمه الله علیه می‌فرمودند: «همه باید آمادگی و توانایی تیراندازی را داشته باشند. بیرون از کشور همه باید بگویند که پیر و جوان در جمهوری اسلامی تک تیرانداز هستند. اگر دیگران بگویند که ایرانی‌ها تیراندازیشان خوب است به نفع اسلام است. تفریح من تیراندازی است و هر جا که بروم جزء پذیرایی‌ای که از من می‌شود، «میدان تیر» است.

مثلا با آقای هاشمی (رییس اسبق فدراسیون تیراندازی) ۵۰ هزار تومان وسط گذاشتیم، یکبار او برد و یکبار هم من بردم! من با فرماندهان نظامی زیاد مسابقه می‌دهم و اگر عینکم همراهم باشد از عهده آن‌ها بر می‌آیم. خیلی اوقات هم اول شده‌ام. حتی یکبار در اتریش با رییس جنگلبانی آنها مسابقه تیراندازی دادیم. قبل از مسابقه به زبان آلمانی گفت که می‌ترسد مغلوب بشود!

ما باید مسئله برد و باخت در تیراندازی را عمومیت دهیم تا مردم را از قمار در سایر بازی‌ها به شرط بندی در تیراندازی بکشانیم. این برد و باخت «حلال» است و اگر کسی یک میلیون تومان هم بگذارد و ببرد، حلال است.<sup>۱</sup>

یا همین این بازی پینت بال<sup>۲</sup> چرا اینقدر لذت بخش هست؟ چون لذت آن چیزی از جنس لذت حماسه هست.

چرا بازی‌های یارانه اینقدر طرفدار دارد؟ چون آدم لذت حماسه را در آن تجربه می‌کند. حتی با خیالش، اگر میسر نیست ما را کام او عشق بازی می‌کنیم با نام او.

در ادبیات فارسی ما حماسه موج می‌زند خصوصا شاه نامه فردوسی، چقدر خوب هست ما کمی با این ادبیات حماسی انس داشته باشیم، در نوحه‌های ما وجه حماسی در گذشته خیلی پررنگ تر بود. الان بیشتر وجه محبتی نوحه‌ها افزایش یافته است. و این در آینده به ما ضربه می‌زند.

---

<sup>۱</sup> کانال نکات ناب و حکمت‌های آیت‌الله حائری شیرازی

<sup>۲</sup> نام این ورزش از دو کلمه Pai nt (رنگ) و Bal l (توپ) تشکیل شده‌است، پینت بال یک ورزش گروهی بسیار هیجان‌انگیز می‌باشد که بوسیله دو تیم و در یک زمین به ابعاد ۳۰ \* ۵۰ متر انجام می‌شود. در جریان این ورزش علاوه بر اینکه به مهارت‌های خاص حرکتی مانند نشانه گرفتن، سریع دویدن، داشتن سرعت در حرکات و واکنش‌های سریع نیاز است. قابلیت‌های ذهنی متعددی نیز لازم هستند که مهمترین آنها سرعت در تصمیم گرفتن و قدرت حل مسئله است. همه چیز در پینت بال در لحظه صورت می‌گیرد؛ و هرکس سریعتر و دقیقتر باشد موفق تر است.

حماسه نباید کم رنگ باشد، ما بالاخره باید یه جایی یه جوری لذت حماسه را تجربه کنیم. این نیاز روحی ماست، نیاز به حماسه.

### وجه حماسی دین

براساس این نیاز انسان، دین هم به گونه طراحی شده است، که در آن حماسه حرف اول را می زند. حماسه در دین نامش شده جهاد، کسی که مزه حماسه زیر زبانش رفته باشد تا به دین می رسد روی هوا دین را می زند چون دین یعنی حماسه. لعنت بر داعش و تولید کنندگان داعش یعنی اوباشی مثل بایدن که برای تخریب حماسه، هوس بازان مثل داعش را با حماسه سرکار گذاشتند. حماسه را از چشم مردم جهان انداختند. در حالی که اصل حماسه برای نجات بشر هست، نه برای نابودی بشر.

فرمود اگر هوس حماسه نداشته باشید، اشکالی در کار هست. « مَن مَاتَ وَلَمْ يَغُزْ، وَلَمْ يُحَدِّثْ بِهِ نَفْسَهُ، مَاتَ عَلَى شُعْبَةٍ مِّنْ نِّفَاقٍ » (حکم النبی الاعظم، ج ۶، ص ۲۹۸) چرا جنگ گنج بی پایان هست چون جنگ بستر شکل گیری حماسه بود. هم روحیه حماسی رزمندگان تقویت و تجلی پیدا می کرد هم پشت خط هم حال و هوا، حال و هوای حماسه بود.

شما بیشتر از پیامبر اخلاق و مهربانی اش را شنیدید اما کمتر پیش آمده است از حماسه و شجاعت او سخن بگوییم. چرا نمی دانم؟ حتی روز بعثت را روز اخلاق می گذاریم نه روز حماسه، در حالی که فرمود من پیامبر حماسه هستم در کنار اینکه فرمود: « أَنَا مُحَمَّدٌ، وَأَحْمَدُ، أَنَا رَسُولُ الرَّحْمَةِ، أَنَا رَسُولُ الْمَلْحَمَةِ، مِنْ مُحَمَّدٍ وَاحِدٍ هَسْتُمْ. مِنْ پیامبر رحمت هستم. من پیامبر حماسه هستم. در ادامه فرمود، بُعِثْتُ بِالْجِهَادِ وَلَمْ أُبْعَثْ بِالزَّرَاعِ. : من برای جهاد برانگیخته شده ام، نه برای کشت و کار. » (الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۰۵)

کسی با ابوجهل معامله ای کرده بود که ابوجهل پولش را پس نمی داد. این آدم به هر راه رفت کسی را ندید که با او درددل کند. به رسول اکرم (صلوات الله علیه و آله) گفت. در همان مواقعی که هنوز پیغمبر (صلوات الله علیه و آله) قدرت پیدا نکرده بود. به پیامبر گفت: من چیزهایی به این ها فروخته ام، این ها حاشا می کنند و پولش را نمی دهند. پیغمبر (صلوات الله علیه) همراهش آمد تا در خانه ابوجهل. در را زد و ابوجهل آمد. فرمود: به او بده. ابوجهل گفت: چشم؛ یعنی «بده» او «بده» عادی نبود.

او همان کسی بود که گاهی یا هر وقت که به رسول اکرم (صلوات الله علیه) می رسید، بی ادبی می کرد و سر به سر حضرت می گذاشت؛ اما در این موضوع نه. چرا؟ چون این آن محمد در حالت عادی نبود. برای دفاع از مظلوم آمده و غضب کرده بود. برای اینکه داشت به مظلومی ظلم می شد. این نیرو، نیروی دیگری در وجودش بود.<sup>۳</sup>

امیرالمومنین فرمود: «هر وقت جنگ سخت می شد ما به رسول الله ص پناه می بردیم؛ کُنَّا إِذَا أَحْمَرَ الْبَأْسُ اتَّقَيْنَا بِرَسُولِ اللَّهِ ص فَلَمْ يَكُنْ أَحَدٌ مِنَّا أَقْرَبَ إِلَى الْعَدُوِّ مِنْهُ» (نهج البلاغه، حکمت ۲۶۶)

یاد برخی از سیاسیون به شر! می گفتند اسلام رحمانی؛ اگر اسلام رحمانی، به معنای نفی اسلام حماسی هست، این بزرگترین تحریف اسلام است. چرا با رحمانیت اسلام سیلی به حماسی بودن اسلام می زنید مگر ریشه حماسه، همان رحمانیت نیست؟ مهربان شدی، حاضر نیستی اشک مظلوم را ببینی.

---

<sup>۳</sup> کانال نکات ناب و حکمت های آیت الله حائری شیرازی

نباید حماسه خواهی جامعه را کشت، به بهانه ترویج خشونت یا بی رحمی. الان جریانی به شدت روی حماسه هراسی کار می کند، اتفاقاً ریشه این حماسه محبت هست نه خشونت. تو که از محنت دیگران بی غمی نشاید که نامت نهند آدمی

در دین ما ریشه حماسه، محبت شدید به خلق خدا هست که موجب شکل گیری روحیه حماسی می شود. « مَنْ لَمْ يَهْتَمَّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ » (کافی، ج ۳، ص ۴۱۸) چون اصلاً تو تحمل بی رحمی نداری حماسی می شوی چون بی تفاوت به خلق نیستی و ظلمی که بشریت می شوی می خواهی ریشه ظالم را بکنی. چون علاقه شدید به همه بشریت داری، حماسی می شوی. خواهش می کنم حالات شهید چمران را مطالعه کنید، کتابی دارند به نام رقصی چنین میانه میدانم آروز است. کسی که طاقت ندارد جلوی چشمش گوسفندی را ذبح کنند، چطور وقتی ظلم را می بیند، تمام موقعیت سیاسی اجتماعی و علمی خودش را فدا می کند برای حماسه آفرینی برای نجات بشر.

شهید چمران نقل می کند که «شب تاریک، هنگام بازگشت در میان برف زمستان، فقیری را دیدم که در سرما می لرزد؛ ولی نمی توانستم برای او جایی گرم تهیه کنم. تصمیم گرفتم که همه شب را مثل آن فقیر در سرما بلرزم و از رختخواب محروم باشم، این چنین کردم و تا صبح از سرما لرزیدم و به سختی مریض شدم و چه مریضی لذت بخشی بود».

یا نقل شده است که «ماه رمضان بود. روزی یک تومان به من می دادند تا نان برای افطار بخرم. بعد از ظهر در مسجد، فقیری به من مراجعه کرد و فقر و ناچیزی خود را گفت و من تنها پولم را به او دادم و موقع افطار، بدون نان به خانه رفتم و کتک مفصلی خوردم و نگفتم پول را به فقیر دادم؛ نمی خواستم حتی در غیاب او منتی بگذارم و خوش داشتم جز خدایم کسی نداند».

این آدم که اینقدر اهل محبت هست، اهل حماسه می شود. عرفان و حماسه در هم آمیخته شده است، فرمود « إِنَّمَا زُهَابِيَّةٌ أُمَّتِي الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ » (امالی صدوق، ص ۱۶) آدم های که به دنبال عرفان و معنویت هستند، سراغ حماسه و جهاد می روند. عرفانی که سر از خانقاه در بیاورد نه جهاد عرفان نیست، عرفان تو را اهل حماسه نکند، عرفان نیست، مسخره بازی است.

آدمی که محبت شدید به خلق دارد، نفرت شدید از دشمنان خلق پیدا می کند. بنابراین ریشه حماسه، محبت هست. نه خشونت. اتفاقا به آدم های که علیه ظلم بشر سکوت کردند باید بگوییم شما چقدر بی رحم هستید، مرگ بر شما؛ نفرین بر سکوت شما. ای بی رحم! تو چطور دلت می آید مظلوم را تماشا کنی و ظلم ظالم را تماشا کنی ولی اقدامی نکنی. محبت، حماسه آفرین هست.

### جریان سیاسی برای خاموش کردن روحیه حماسی جامعه

جریانی در کشور وجود دارد، که می خواهد حماسه را خاموش کند. الان الحمد لله سرکار نیستند ولی سخت مشغول کار هستند؛ در دوران آنها چرا درس شهید فهمیده حذف می شود؟ چرا آیات جهاد حذف می شود؟ چرا نباید بچه ها تا سن ۱۸ سالگی آموزش نظامی ببینند، چون اسناد بالادستی و قوانین استعماری به شما چنین می گوید، باز شما می بینید جریان مدافعین حرم شکل می گیرد، از دل این جوانان، حججی ها رخ نمایی می کنند؛ علت محبوبیت سردار سلیمانی چیست حتی کسانی که ضد انقلاب هستند ولی خط قرمزشان سردار سلیمانی هست؟ جز وجه حماسی سردار سلیمانی؟

چرا مردم به شهدا اینقدر احترام می گذارند؟ این علامت سلامت روحی جامعه است که نسبت به شهادت تکریم می کند چون آن روح حماسی هنوز نمرده است.

بزرگترین خیانت به یک جامعه، این نیست که فساد در جامعه ترویج شود، بلکه بزرگترین خیانت یک مدیر سیاسی به جامعه خودش این است که روحیه حماسی جامعه را بکشد. آن وقت باید

فَاتِحَهُ أَنْ جَامِعَهُ رَا خَوَانِد. بَرُخَى اَز مَدِيرَان سِيَاَسَى كَفْتَنَد دُورَان مَوْشَك تَمَام شُدِه اَسْت، اِمَا اَيَا بَدُون مَوْشَك شَمَا مِي تَوَانِي صِلَح وَ اَمْنِيَت رَا بَرَقَرَار كَنِي؟ اَيَا اَيْن حَرْف هَا تِيَشَه بَه رِيَشَه رُوحِيَه حَمَاسِي مَرْدَم نَبُود؟

بَعْد شَمَا مِي بَنِيَد دَائِمَا مَقَام مَعْظَم رَهْبَرِي، دَر حَاشِيَه كِتَاب هَاي جَنَگ وَ جَبَهه مَطْلَب مِي نُويسَنَد. چُون مَا نِيَاز دَارِيْم بَه حَمَاسَه. بَعْد شَمَا مِي بَنِيَد بَرُخَى مَدِيرَان سِيَاَسَى، حَتِي يَك كَلِمَه دَر بَارَه رَزْمَايش اَخِيَر اَرْتَش وَ سِيَاَه حَرْف نَمِي زَنَد، لَال هَسْتَنَد. اَيَا مَا بَدُون حَمَاسَه مِي تَوَانِيْم مَنَافِع خُودْمَان رَا تَامِيْن كَنِيْم؟

گَفْتَمَان حَمَاسَه دَر جَامِعَه كَم رَنَگ شُدِه اَسْت، بَه بَهَانَه تَرُويَج خُشُونَت وَ اَنَگ تَنَدْرُوي، دَر حَالِي كَه رِيَشَه اَيْن رُوحِيَه حَمَاسِي مَحَبَت هَسْت نَه خُشُونَت.

دَر اَوْصَاف يَارَان اِيْرَانِي حَضْرَت حَجْت مَحَبَت وَ حَمَاسَه دَر كِنَار هَم اَمَد هَاسْت. مَنْتَهَا يَك مَحَبَت شَدِيَد بَه خُدا «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَزِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (مائده: ۵۴)

اَوَّلِيْن وَصَف حَمَاسَه سَاَزَان يَارَان اِيْرَانِي حَضْرَت حَجْت چِيَسْت؟ مَحَبَت بَه خُدا. اَيْن مَحَبَت اَصَالَت دَارَد، اَيْن مَحَبَت مَوْجَب مِي شُود تُو بَا خَلَق خُدا هَم مَهْرَبَان بَاشِي، بَرَاي رَهَابِي تَمَام خَلَق بَشَر دَلْسُوزِي كَنِي وَ حَمَاسَه بَسَازِي فَقط دَسْت رُوي دَسْت نَمِي گُذَارِي بَلَكَه حَمَاسَه مِي اَفْرِيْنِي.

اَمِيْرالْمُؤْمِنِيْن فَرْمُود شَنِيْدَم غَارَت كَرَدَنَد، شَمَا دَسْت رُوي دَسْت گُذَاشْتِيَد وَ التَمَاس كَرَدِيَد، چَرَا كَسِي اَقْدَامِي نَكْرَد؟ مَرْدَم اَز اَيْن خَبِر بَمِيْرَد جَا دَارَد، يِعْنِي چَرَا حَمَاسَه نِيَا فَرِيْدِيَد؟

مَا چُون مَخَالِف خُشُونَت وَ ظَلَم بَه بَشَرِيَت هَسْتِيْم، اَهْل حَمَاسَه هَسْتِيْم.

اما اصل این روحیه حماسی را باید کجا به دست آوریم؟ از دامن مادر، چقدر باید از مادران شهید، تشکر کنیم خدا می داند، از دامن مادری مهربانی، حماسه آفرینانی مثل باکری، چمران، زین الدین،

#### ام البنین س مادر حماسه ها

رکن این حماسه شجاعت هست. حضرت ام البنین س مادر حماسه ها هست. اگر می بینید یک رکن کربلا، در کنار اباعبدالله قمر بنی هاشم هست، به خاطر روحیه حماسی مادر سقا هست. فرمود عقیل می خواهم همسری شجاع برای من انتخاب کنی. چرا شجاعت در انتخاب همسر امیرالمومنین ملاک می شود؟ چون این مادر شجاع می تواند آن روحیه حماسی را به فرزندانش با محبت منتقل کند و ما کربلا در پیش داریم.

وقتی عقیل آمد خواستگاری، با صدای بلند خطاب به پدر ام البنین گفت خیر دنیا و آخرت به درب خانه تو آمده است. پدر گفت مگر چه شده عقیل؟ عقیل گفت آمده ام برای برادرم علی ع از دخترت خواستگاری کنم پدر گفت این شرافت بزرگی هست اما بگذار با مادرش مشورت کنم. پدر ام البنین آمد پیش همسرش گفت از اخلاق و روحیات دخترت بپرسد بالاخره خانم ها به اخلاق و روحیات دخترها بیشتر آگاهی دارند. دید دخترش فاطمه پیش مادر نشسته است فاطمه به مادرش گفت مادر دیشب خواب عجیبی را دیدم مادر گفت خیر باشد دختر چه خوابی دیدی؟ خواب دیدم سه ستاره و یک ماه در دامن من قرار دارد. و منادی ندا داد که بر تو بشارت فاطمه که همای سعادت روی دوش تو نشسته است. مادر خواب را تعبیر کرد که دخترم تو صاحب فرزندی می شوی که سه پسری که مثل ستاره هستند و یک ماه که در واقع همان قمر بنی هاشم هستند.<sup>۴</sup>

---

<sup>۴</sup> « أرى كأن القمر قد انقض من كبد السماء ووقع في حجري وهو يتلألاً نوراً يعشى الأَبصار ، فعجبت من ذلك وإذا بثلاثه نجوم زواهر قد وقعوا أيضاً في حجري » تنقيح المقال، ج ۲ ص ۱۲۸س

چه حماسه را خدا خلق کرد؟ اگر کربلا عباس بن علی ع نداشت حقیقتاً یک خلا بزرگ در حماسه حسینی احساس می شد ولی خدا جای عباس را در کربلا در نظر گرفته بود. رجزهای حماسی عباس، چه دلبری می کند

وَ اللَّهُ إِنْ قَطَعْتُمْ بِيَمِينِي  
وَ عَنْ إِمَامٍ صَادِقٍ الْيَقِينِ  
إِنِّي أُحَامِي أَبَدًا عَنْ دِينِي  
نَجِّلِ النَّبِيَّ الطَّاهِرِ الْأَمِينِ<sup>ه</sup>

وقتی فرزندان خودش را رهایی کربلا کرد، فرمود بروید فدای برادران حسین ع باشید، کونوا فدا لاختیکم الحسین اصلاً برای فدا شدن آنها را تربیت کرد، مادری که روحیه حماسی داشته باشد، عباس تربیت می کند. وقتی هم که کاروان برگشت خبر دادند که چه کردن با بدن عزیزانت فرمود فرزندانم و هر کسی که در زیر چرخ کبود آسمان هست «تنقیح المقال» مامقانی: «أولادها الأربعة، قالت ما معناه: أخبرني عن أبي عبد الله الحسين عليه السلام، فلما نعى إليها الأربعة، قالت: قد قطعت نياط قلبي، أولادي و من تحت الخضراء كلهم فداء لأبي عبد الله الحسين عليه السلام، أخبرني عن الحسين؟» (تنقیح المقال)

### حماسه آفرینی ام البنین نه فقط اشک و نوحه سرایی

مقام معظم رهبری فرمودند: ام البنین س «مادری است؛ صورت قبر چهار جوانش را که در کربلا شهید شدند، در بقیع میکشد و نوحه سرایی میکند و حماسه میآفریند. همه اش اشک ریختن و تو سر زدن هم نیست - البته اشک ریختن هست، اشکالی هم ندارد - بلکه حماسه آفرینی است، افتخار به این جوانهاست.» ۱۶/۱۲/۱۳۹۵ یعنی وجه حماسه حضرت ام البنین را برجسته کردند. نه اشک و گریه و نوحه سرای را فقط. این بعد شخصیت حضرت ام البنین کمتر پرداخته شده

<sup>ه</sup> مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۰۸

است. مادران ما باید روحیه حماسه را در خود و فرزندان خودشان تقویت کنند. اگر می خواهید به مادر سقا اقتدا کنند.

چه اشعار حماسی می خواند ام البنین س

لَا تَدْعُونِي وَيَكُ أُمُّ الْبَنِينِ تَذَكِّرُنِي بِلِيُوثِ الْعَرِينِ

وای بر تو مرا دیگر مادر پسران مخوان که مرا به یاد شیران بیشه ام می اندازی

كَأَنْتَ بَنُونَ لِي أُدْعَى بِهِمْ وَ الْيَوْمَ أَصْبَحْتُ وَ لَا مِنْ بَيْنِ

من پسرانی داشتم که به خاطر آنان مرا ام البنین می خواندند ولی امروز دیگر پسری ندارم

أَزْبَعَةٌ مِثْلُ نُسُورِ الرَّبِيِّ قَدْ وَاصَلُوا الْمَوْتَ يَقْطَعِ الْوَتِينَ

چهار پسر که مانند عقاب های کوهسار بودند و با بریده شدن رگ حیات یکی پس از دیگری به

مرگ پیوستند

تَنَازَعَ الْجِرْصَانُ أَشْلَاءَهُمْ فَكَلَّهْمُ أَمْسَى صَرِيحاً طَعِينِ

بر سر نعش آن ها نیزه ها به ستیزه برخاستند و همه آنان از زخم نیزه به خاک افتادند

يَا لَيْتَ شِعْرِي أَمَا أَحْبَبُّوا بَانَ عَبَّاسَا قَطِيعُ الْيَمِينِ

ای کاش می دانستم آیا چنان که خبر دادند؛ عباس من دست راستش قطع شده بوده است؟